

## تعریف اخلاق

### مقدمه

«فقه، مقدمه تهذیب و تهذیب مقدمه توحید است.» این سخن بلند از عارف بزرگ شیعی، مرحوم محمد بهاری (ره) است که بر بالای مقبره او در بهار همدان نوشته شده است. این گفتار، جایگاه تهذیب را که همان اخلاق است نسبت به فقه و توحید نشان می‌دهد. قوای اصلی وجود انسان عبارتند از: **شهوت، غضب و عقل** که علم اخلاق کیفیت مهار این قوای طالب بی‌نهایت و هدایت آنها در طریق توحید را به ما می‌آموزد.

اما قبل از ورود به علم اخلاق باید دانست که شخصیت جاودان انسان با کمک اخلاق شکل می‌گیرد و عقاید، در این عرصه جهت این سازندگی را مشخص می‌کنند و اعمال، تجلیگاه اخلاق می‌باشند. پس از آشنایی با جایگاه اخلاق در مقایسه با اعمال و عقاید، بهتر می‌توان به شناخت فضائل اخلاقی و اتصاف به آنها و نیز شناخت رذائل و رهایی از آنها اقدام کرد. آنچه دانشجویان از مطالعه این بخش حاصل خواهند کرد عبارت است از: تقسیم مباحث اخلاق به نظری و عملی، فردی و اجتماعی و مقدم بودن پیراستگی از رذائل (تخلیه) بر آراستگی به فضائل (تحلیه).

### محتوای آموزشی

#### تعریف اخلاق

اخلاق عبارت است از حالت و کیفیتی در نفس و روان انسان که سبب می‌شود کارها (چه خوب و چه بد) بدون فکر و تأمل و به آسانی از انسان سر بزنند. یعنی آنچه به صورت عملی و فعلی از انسان آشکار می‌شود، ریشه در درون و شخصیت باطنی اشخاص دارد.

آن حالت درونی و سرشت اخلاقی، قابل تغییر و تحوّل است و عوامل مختلف درونی و بیرونی و وراثتی و اجتماعی می‌توانند در آن مؤثر باشند. خود انسان نیز در نوع تربیت و ساختن خویش سهمی دارد و همانگونه که در کیفیت بدن و جسم و رشد یا ضعف آن، لاغری یا چاقی، بیماری یا سلامتی می‌تواند اثرگذار باشد، در اخلاق خود هم (که یک کیفیت باطنی است و اثر آن در رفتار بیرونی آشکار می‌شود) می‌تواند مؤثر باشد.

شناختِ زمینه‌های بروز و ظهور هر یک از خصلت‌های مثبت و منفی و رابطه‌ای که آن‌ها با یکدیگر دارند، و روش‌های مربوط به تقویت خلق و خوی نیک یا زدودن خصلت‌های ناپسند، در مجموع دانشی را پدید آورده است که به آن «علم اخلاق» گویند.

**محور و موضوع علم اخلاق، انسان و رفتارها و حالات اوست** و از آنجا که این خصلتها که منتهی به عمل می‌شود، در سعادت و شقاوت انسان مؤثر است و ارزش هرکس بسته به کمالات اخلاقی اوست، از این رو علم اخلاق و تهذیب نفس، از مفیدترین و لازم‌ترین علوم به شمار می‌رود.

در علم اخلاق، یک سلسله مباحث نظری وجود دارد که عمدتاً به شناخت نفس انسان و قوای درونی او (قوه عقلیه یا واهمه، قوه شهویه، قوه غضبیه) و زیر مجموعه‌های هر یک از این قوا و امکان تغییر اخلاق و شناخت ردائل و فضائل مربوط می‌شود. یک سلسله هم مباحث عملی است که به رفتار بیرونی و عمل خارجی انسان در ارتباط با دیگران ارتباط می‌یابد. از این رو در تقسیم‌بندی مباحث اخلاقی به « اخلاق نظری» و « اخلاق عملی» برمی‌خوریم.

**نظری: مباحث نظری مربوط به شناخت نفس و قوای درونی انسان**  
**عملی: مباحث علمی مرتبط با اعمال و رفتار خارجی انسان**

شناخت فضایل اخلاقی و ردایل اخلاقی نیز، گاهی در قلمرو حالات و رفتار شخصی انسان است، گاهی در محدوده ارتباط با دیگران. از این رو تقسیم‌بندی دیگری وجود دارد به نام «اخلاق فردی» و «اخلاق اجتماعی». آنچه در این جزوه مورد بحث قرار می‌گیرد «اخلاق فردی» است؛ در دو قلمرو فضایل و ردایل.

از آنجا که خودسازی اخلاقی جز با شناخت آسیب‌ها و آفت‌ها از یک سو و معرفت‌جویی‌ها و ارزش‌ها از سوی دیگر، و زدودن آفت‌ها و آراستگی به ارزشها به دست نمی‌آید، برای سالکان راه کمال و علاقه‌مندان به تهذیب نفس، گام اول شناخت این ردیلت‌ها و فضیلت‌هاست.

نفس و جان آدمی را در آغاز خالی از صفات و خصلت‌های نیک و بد دانسته‌اند. همچون صفحه سفیدی است که قابلیت نقش‌پذیری دارد. عوامل مختلفی هم در نقش دادن به شخصیت اخلاقی انسان مؤثر است. از عامل وراثت گرفته تا تربیت خانوادگی، شرایط محیطی، فرهنگ جامعه، رسانه‌ها و مطبوعات، تعلیم و تربیت و مدارس، معلم و مربی. استعداد آدمی برای

نقش‌پذیری صفات و خصلت‌های نیک و بد، از یک سو وضع انسان را خطیر و حساس می‌سازد، از سوی دیگر این بستر مناسب و زمینه مساعد، برای خود انسان یا مربیان و فرهنگ سازان و والدین، شرایطی را به وجود می‌آورد که بتوانند به تهذیب نفس و تربیت مطلوب بپردازند و از مزرعه جان‌ها آفت زدایی کنند و در بوستان وجود، بذر کمال و خوبی بیفشانند و با برنامه و تدبیر، «تغییر مطلوب» را در رفتارهای فردی و اجتماعی ایجاد کنند.

بیش از همه خود انسان مسؤول به کمال رساندن خویش و تزکیه اخلاق است. نفس انسان نیز امانتی در اختیار اوست و از قدرت انتخاب و اختیار هم برخوردار است و رستگاری و شقاوت او نیز بسته به نوع‌گزینش و عمل اوست. به تعبیر قرآن کریم: «قَدْ افْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا» [۱]. «هرکس نفس خود را رشد داد، به فلاح و رستگاری رسید و هرکس آن را تباه کرد و پوشاند، زیانکار و محروم گشت».

رهنمودهای خداوند در آیات قرآن کریم، یکی از سرچشمه‌های شناخت فضایل و رذایل اخلاقی است. سخنان آموزنده و حکیمانه انبیای الهی، پیامبر اعظم (ص) و ائمه اهل بیت (ع) و روایات نورانی معصومین، منبع دیگری برای کسب آگاهی‌ها و هدایت‌هاست. اگر عالمان و عارفان و حکیمان هم رهنمودها و موعظه‌ها و حکمت‌های سودمند گفته‌اند و روش‌های هدایتی خاصی داشته‌اند، از همین دو سرچشمه زلال (قرآن و عترت) سیراب شده‌اند.

مطالعه شرح حال بزرگان و خودساختگان و مهذبین و عارفان کامل، سرچشمه دیگری برای رهیافت به قلمرو کمالات اخلاقی است، چرا که آنان تجسم آن ارزش‌ها و فضیلت‌ها و هدایت‌های انبیا و وحی و عترت را در وجود خویش به عینیت رسانده‌اند. از این رو سرمشق برای پویندگان این راهند.

بنابراین، اگر کسی درصدد پیمودن این راه باشد، باید ره توشه خود را از قرآن، حدیث، سیره معصومین، زندگینامه بزرگان اخلاق و حکمت‌های فرزندان برگزید و بیش از «آموختن» به «عمل کردن» بپردازد.

پس از این مقدمه، اینک می‌پردازیم به معرفی و توضیح فضایل و رذایل اخلاقی و تعریف هر یک و ریشه‌یابی آنها و راه زدودن رذیلت‌ها و افزودن فضیلت‌ها.

از آنجا که پیراستن مقدمه آراستن است، و «تخلیه» قبل از «تحلیه» انجام می‌گیرد و زمین دل را باید ابتدا از علف هرزه‌ها و خس و خاشاک و سنگ و کلوخ پاک کرد، سپس در آن بذرافشانی کرد، از این رو ابتدا از «رذائل» بحث می‌کنیم، سپس به فضایل می‌پردازیم. **دیو چو بیرون رود فرشته درآید.**

← تخلیه: آراسته شدن به فضایل

← تخلیه: پیراسته شدن از رذایل

[۱] شمس، آیه ۱۰۹

### چکیده

- « علم اخلاق » شناخت زمینه های بروز خصلتهای مثبت و منفی و رابطه آنها، روشهای تقویت خُلق و خوی نیک و زدودن خصلتهای ناپسند می باشد.
- موضوع علم اخلاق، انسان و رفتارها و حالات اوست.
- ارزش هر کس به کمالات اخلاقی اوست.
- مباحث نظری علم اخلاق عمدتاً ناظر به شناخت نفس انسان و قوای درونی او، و مباحث عملی آن ناظر به عمل بیرونی انسان است.
- شناخت فضائل و رذائل اخلاقی در قلمرو حالات و رفتار شخصی، «اخلاق فردی» و در محدوده ارتباط با دیگران، «اخلاق اجتماعی» نامیده می شود.
- منابع علم اخلاق عبارت است: قرآن، حدیث، سیره معصومین، زندگی نامه بزرگان اخلاق، حکمتهای فرزندانگان.